

تأثیر پرخاشگری بر مشارکت در ورزشهای رزمی

❖ دکتر ابراهیم مسعودنیا؛ استادیار دانشگاه یزد *

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۰/۴
تاریخ تصویب: ۸۶/۴/۱۱

۵۵

چکیده:

مقایسه ویژگیهای روان‌شناختی ورزشکاران و غیرورزشکاران، به منظور یافتن نیمرخ شخصیتی ورزشکاران، یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در مطالعات روان‌شناختی در حوزه ورزش بوده است. هدف این مطالعه عبارت است از تعیین تفاوت بین ورزشکاران و غیرورزشکاران از نظر پرخاشگری. این تحقیق به شیوه علی-مقایسه‌ای انجام شد. داده‌های این مطالعه از ۱۵۴ نفر، که ۷۷ نفر آنها به یکی از رشته‌های ورزش رزمی، یعنی تکواندو، کاراته، ووشو و جودو اشتغال داشتند و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، و ۷۷ نفر غیرورزشکار، به‌عنوان گروه مقایسه، در فاصله مرداد و شهریور ۱۳۸۵ گردآوری شد. این پاسخگویان به مقیاس پرخاشگری یاس و پری (BPAS) پاسخ دادند. تفاوت معناداری بین ورزشکاران رزمی و غیرورزشکاران از نظر پرخاشگری، به‌طور کلی، و مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی و خشم مشاهده شد. تحلیل رگرسیون لجستیک چندگانه نیز نشان داد متغیرهای کنترل و متغیر پرخاشگری ۱۹،۰ درصد از واریانس مشارکت در ورزش را تبیین نموده‌اند. مشارکت در ورزش، برخلاف آنچه نظریه پالایش هیجانی استدلال می‌کند، صرفاً نمی‌تواند به مثابه ابزار و شیوه قابل قبول برای تخلیه انرژی و کاهش پرخاشگری در زندگی روزمره افراد در جامعه ما به‌کار رود. مطالعه حاضر این ادعا را که ورزشکاران رزمی به دلیل سطوح بالاتر پرخاشگری، در فعالیتهای ورزشی مشارکت می‌کنند تأیید نمی‌کند، بلکه به‌نظر می‌رسد، به احتمال زیاد، مشارکت در ورزش در فرهنگ ایرانی بیشتر دلالت‌های اخلاقی داشته باشد.

واژگان کلیدی: پرخاشگری، غیرورزشکاران، مشارکت ورزشی، ورزشکاران رزمی.

* E-mail: masoudnia_e@hotmail.com

مقدمه

ورزشهای تیمی در مقابل ورزشهای انفرادی، ورزشهای تماشایی در مقابل ورزشهای غیرتماشایی (۳، ۱۱، ۴۶) را ارزیابی کردند. از یکسو، برخی محققان معتقدند نیمرخ شخصیتی‌ای وجود دارد که ورزشکاران را از غیرورزشکاران متمایز می‌سازد. محققانی نظیر بات (۸)، کاکس (۱۲) و سایننت-فارد و دیگران (۳۷) نشان دادند ورزشکاران

یکی از علایق و مجادلات عمده محققان در سالهای اخیر، امکان وجود و دستیابی به نیمرخ شخصیتی ورزشکاران بوده است (۱۸). بدین منظور، محققان، تفاوت‌های شخصیتی بین ورزشکاران و غیرورزشکاران (۲، ۳، ۱۵، ۱۹، ۲۰)، و میان ورزشکاران در ورزشهای مختلف (برای مثال،

کامل نیستند. از نظر آنها، آنچه ورزشکاران را از غیرورزشکاران متمایز می‌سازد نیمرخ شخصیتی نیست، زیرا تفاوت‌های بین گروهها ثابت و هماهنگ نیستند (۳۰، ۴۶).

در یکی از جامع‌ترین مطالعات، اوویل و همکارانش در فراتحلیلی نشان دادند ورزشکاران از غیرورزشکاران از نظر ویژگیهای شخصیتی با توجه به سه ابزار متفاوت، یعنی پرسشنامه عملکرد نخبگان (EPQ)^۲، پرسشنامه شخصیتی ایسنگ (EPI)^۴ و پرسشنامه ۱۶ عاملی شخصیت (SFPO)^۵ هیچ تفاوتی با یکدیگر نداشتند (۱).

در این میان، یکی از خصیصه‌های شخصیتی که توجه اندکی بدان مبذول شده است، پرخاشگری و تأثیر آن بر مشارکت در ورزش است. پرخاشگری بنا بر تعریف عبارت است از هر شکلی از رفتار که با هدف صدمه زدن یا آسیب رساندن به موجود زنده دیگر انجام می‌شود (۵). رفتار پرخاشگرایانه ممکن است کلامی یا فیزیکی باشد. این رفتار بیشتر باید متوجه شخص دیگر باشد تا اشیای غیرجاندار (۳۱).

پژوهشهای انجام شده در این حوزه دو دسته‌اند. دسته اول پژوهشهایی اند که وجود پرخاشگری را در میان ورزشکاران تأیید می‌کنند. و دسته دوم، وجود این خصیصه را برای ورزشکاران نادرست نشان می‌دهند. در کل پژوهشهای انجام شده از این فرضیه پشتیبانی می‌کنند که ورزشکاران در مقایسه با غیرورزشکاران، بیشتر درگیر رفتارهای پرخاشگرایانه می‌شوند (۱۰، ۲۱).

ورزشهای رقابتی در مقایسه با غیرورزشکاران، از ثبات هیجانی، برون‌گرایی و اعتماد به نفس بالاتری برخوردارند.

مارش و دیگران (۳۰) با مقایسه ورزشکاران دو و میدانی و غیرورزشکاران نشان دادند ورزشکاران درون‌گرا و متفکرند و سطوح پرخاشگری و خشم پایین‌تری از خود نشان می‌دهند.

مورگان و کاستیل (۳۲) با استفاده از پرسشنامه نیمرخ حالات خلقی (POMS)^۱ دریافتند در ورزشکاران در مقایسه با غیرورزشکاران، سطوح تنش، افسردگی، خشم، پرخاشگری، خستگی و سردرگمی ذهنی پایین‌تر است.

در مطالعه‌ای دیگر، کاکس (۱۱) به این نتیجه رسید که بازیکنان تیمی در مقایسه با بازیکنان انفرادی برون‌گراتر، مضطرب‌تر و بیشتر وابسته‌اند، اما کمتر از بازیکنان ورزشهای فردی، حساس-تخیلی^۲ هستند. همچنین کاکس و یوو (۳۲) با مقایسه بازیکنان فوتبال با غیرورزشکاران، تفاوتی را از نظر کنترل اضطراب، تمرکز و اعتماد یافتند.

در مطالعه فیلهو و دیگران، تفاوت‌های معناداری میان ورزشکاران و غیرورزشکاران از نظر بازداری، خستگی‌پذیری، نارضایتی فیزیکی، علائق تندرستی، صداقت، برون‌گرایی و هیجانی بودن مشاهده شد (۱۸).

در نقطه مقابل، محققانی قرار دارند که وجود نیمرخ شخصیت ورزشکارانه را انکار می‌کنند. آنها استدلال می‌کنند هیچ تفاوت مشخصی بین ورزشکاران و غیرورزشکاران وجود ندارد (۳۳، ۴۳، ۴۴).

برخی محققان، استدلالهای محققان دیگر درباره جمعیت‌های ورزشکار و غیرورزشکار را رد می‌کنند و بر این اعتقادند که استدلالهای آنها هنوز جامع و

1. Profile of mood states
2. Sensitive-imaginative
3. Elite Performance Questionnaire
4. Eysenck Personality Inventory
5. Sixteen-Factor Personality Questionnaire

نوع رفتارهای جنایی (از جمله آسیب‌رساندن به دیگری) از خود نشان می‌دهند (۴۹).

مطالعه فیلهو و دیگران نیز تفاوت معنادار بین ورزشکاران و غیرورزشکاران و از جمله ورزشهای رزمی را از نظر سطح پرخاشگری نشان داد (۱۸). مجموعه این یافته‌ها نشانگر آن است که مشارکت در هر فعالیت ورزشی با خصیصه‌های پرخاشگری ارتباط دارد (۲۸).

از سوی دیگر، برخی محققان، هیچ رابطه‌ای بین پرخاشگری و مشارکت در ورزش مشاهده نکردند. برای مثال، مورگان و کاستیل، با استفاده از پرسشنامه نیمرخ حالات خلقی (POMSI)^۳ دریافتند ورزشکاران در مقایسه با غیرورزشکاران، حتی از سطوح پایین‌تری از پرخاشگری برخوردارند و کمتر نوروتیک‌اند (۳۲).

بک‌ماند و دیگران، با استفاده از متدولوژی مقایسه ورزشکاران و غیرورزشکاران، تفاوتی را که مطالعات پیشین در زمینه پرخاشگری نشان داده بودند تأیید نکردند (۳). محققان دیگر نظیر دوبوس و بیٹی نیز با مطالعه ورزشکاران دو و میدانی، سطوح پایین‌تر پرخاشگری در میان آنها را در مقایسه با غیرورزشکاران نشان دادند (۱۵).

در زمینه ورزشهای رزمی، مطالعات اندکی درباره پرخاشگری و مشارکت در ورزشهای رزمی صورت گرفته است. علاقه به چنین مطالعاتی، بویژه در کاراته، در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ با انتشار آثاری درباره شخصیت ورزشکاران رزمی رشد پیدا کرد (۱۷، ۲۵، ۲۶). این پژوهشها توجه خود را معطوف به ویژگی‌هایی نظیر کنترل و آسیب‌پذیری در کاراته

مطالعات فلتچر و داول (۱۹)، و والیانت و دیگران (۱۰) درباره ورزشکاران کالج نشان داد در کل ورزشکاران پرخاشگرتر از غیرورزشکاران‌اند. آنها در مطالعه خود درباره دانشجویان سال اول دانشگاه که گفته بودند در ورزشهای دوره دبیرستان مشارکت داشتند دریافتند این افراد در مقایسه با غیرورزشکاران، نمرات بالاتری بر روی مقیاس پرخاشگری کسب کردند.

کلینی (۹) در مطالعه خود درباره جوانان سیاهپوست نواحی فقیرنشین شهر، ضمن استفاده از مقیاسهای احساس‌جویی (SSS-V)^۱ و مقیاس درجه‌بندی مشارکت در ورزش (RSPS)^۲، رابطه مثبتی را بین تاریخچه پرخاشگری و مشارکت در فوتبال دریافت.

محققان دیگر، ضمن مقایسه زنان ورزشکار و غیرورزشکار نشان دادند ورزشکاران زن در مقایسه با زنان غیرورزشکار از سطوح پرخاشگری بالاتری برخوردارند (۲۳).

در تلاش برای ارزیابی اعتبار آمارها درباره سطوح بالاتر پرخاشگری در میان ورزشکاران، کاندلر و دیگران، با استفاده از مقیاس خودسنج، مقایسه‌ای را بین ۱۲۶ ورزشکار و ۲۱۶ غیرورزشکار انجام دادند. آنها دریافتند ورزشکاران در مقایسه با غیرورزشکاران به‌طور معناداری به احتمال بیشتری پرخاشگرند. در این میان دریافتند زنان ورزشکار، بیشتر درگیر پرخاشگری کلامی و مردان ورزشکار بیشتر درگیر پرخاشگری فیزیکی می‌شوند. در نهایت وجود رابطه مثبت بین ورزشکار بودن و رفتار پرخاشگرانه را تأیید کردند (۱۰).

برخی محققان تا آنجا پیش رفتند که نشان دادند مردان و زنان ورزشکار در کالجها، در مقایسه با غیرورزشکاران، بیشتر رفتارهای پرخاشگرانه از

1. Sensation Seeking Scale-form V
2. Rating Scale of Participation in Sports
3. Profile of Mood States Inventory

پاسخگویان، سپس به مقیاس استاندارد شده پرخاشگری باس و پری (BPAS)^۱ پاسخ دادند.

سنجدها^۲

۱. مشخصه‌های اجتماعی - جمعیت شناختی. این مشخصه‌ها عبارت‌اند از متغیرهای سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، وضعیت تأهل، و سابقه پرخاشگری اعضای خانواده که با استفاده از فهرست کنترل عمومی سنجیده شد. برای تعیین جایگاه اجتماعی - اقتصادی پاسخگویان، از روش ترکیبی و شاخصهای تحصیلات، درآمد، شغل، منطقه مسکونی و نوع مسکن (۱۶، ۲۴، ۳۴، ۴۵) استفاده شد. بر این اساس، ضمن طرح ۵ شاخص مذکور به ۳۰ داور، وزن ۱ الی ۵ به آنها داده شد. سپس میانگین وزنی هر عامل به ترتیب زیر مشخص گردید: تحصیلات ۴/۳، درآمد ۴، شغل ۳/۹، منطقه سکونت ۲/۲، و نوع مسکن ۱/۹. در مرحله بعد از مجموع نمرات جزئی فرد، رتبه کل فرد به دست آمد. دامنه شاخص این ۵ عامل، ۱۰ تا ۸۷/۸ بود. در نهایت با استفاده از روش محاسبه دامنه تغییرات، سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین مشخص گردید.

۲. پرخاشگری. برای سنجش پرخاشگری، از مقیاس استاندارد شده پرخاشگری باس و پری (BPAS) (۷) استفاده شد. سازندگان پرسشنامه پرخاشگری، ضریب همسانی درونی (آلفای کرونباخ) مؤلفه‌های مقیاس پرخاشگری را ۰/۸۹ محاسبه کردند که در دامنه قابل قبولی قرار داشت. این مقیاس را نگارنده به فارسی برگرداند. ضریب همسانی درونی مؤلفه‌های این مقیاس برابر با ۰/۸۴

(۲۹)، عزت نفس (۳۶)، واضطراب (۴۷، ۲۷) نمودند. نتایج پژوهشهای اندک انجام شده درباره پرخاشگری و گرایش به ورزشهای رزمی بسیار متناقض‌اند. در حالی که محققانی نظیر فولر (۲۲) در مطالعه خود نشان داده‌اند ورزشکاران رزمی در مقایسه با غیرورزشکاران پرخاشگرترند، سایر محققان - برای مثال، ژابو و پارکین (۴۱) - سطوح نسبتاً پایین‌تر پرخاشگری را در میان ورزشکاران رزمی نشان دادند.

این مطالعه بر آن است ضمن تعیین رابطه بین پرخاشگری و مشارکت در ورزشهای رزمی، تناقضات در یافته‌های تحقیقات پیشین درباره پرخاشگری و مشارکت در ورزش را بررسی کند. پرسش اساسی این مطالعه این است که آیا پرخاشگری به مشارکت افراد در ورزشهای رزمی منجر می‌شود؟ پیش فرض این مطالعه این است که احتمالاً ورزشکاران ورزشهای رزمی، از نظر پرخاشگری که یکی از مؤلفه‌های نیمرخ شخصیتی است با غیرورزشکاران تفاوت دارند.

روش‌شناسی

این تحقیق با روش علی - مقایسه‌ای و بر روی ۱۵۴ نفر در شهر نجف‌آباد انجام گرفت. ۷۷ نفر از پاسخگویان را ورزشکارانی تشکیل می‌دادند که به یکی از ورزشهای رزمی (تکواندو، کاراته، ووشو، و جودو) اشتغال داشتند. این ورزشکاران با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای از ۱۰ باشگاه ورزشی انتخاب شده بودند. در مرحله بعد، ۷۷ نفر نیز غیرورزشکار، ضمن انجام کنترل‌های تحقیقی، جهت مقایسه انتخاب شدند. ۴۴ درصد از پاسخگویان مرد و ۵۵/۸ درصد از پاسخگویان زن بودند. میانگین سنی پاسخگویان، ۲۱/۸۱ سال با انحراف معیار ۴/۲۴ بود.

1. Buss and Perry Aggression Scale
2. Measures

مدل در تبیین واریانس متغیر مورد مطالعه و پیش‌بینی عضویت گروهی استفاده شد.

یافته‌ها

تعیین پایایی درونی و ساختار عاملی سازه‌پرخاشگری

مؤلفه‌های سازه پرخاشگری همراه با ضرایب پایایی آنها در جدول ۱ آمده است. نتایج با استفاده از روش چرخش واریانس نشان می‌دهد فاکتورهای پرخاشگری فیزیکی بالاترین درصد (۴/۴۴۳)، و خصومت، پایین‌ترین درصد (۱/۴۴) واریانس پرخاشگری را تبیین نمودند. از سوی دیگر، مؤلفه‌های پرخاشگری کلامی ۱/۸۹ درصد، و خشم ۱/۶۰ درصد واریانس سازه پرخاشگری را تبیین کردند.

ویژگیهای اجتماعی-جمعیت‌شناختی نمونه

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد میانگین سنی پاسخگویان برابر با ۲۱/۸ سال با انحراف معیار ۴/۲۴ است. نسبت پاسخگویان زن چه در گروه ورزشکار و چه در گروه غیرورزشکار بالاتر از مردان بود. نسبت پاسخگویان مجرد در دو گروه بیشتر از پاسخگویان متأهل بود. غالب پاسخگویان دو گروه از طبقه اجتماعی پایین بودند. ۳۴ درصد

محاسبه شد. در مرحله بعد، پس از استخراج پاسخها و انجام تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) باروش چرخش واریانس بر روی ۲۹ مورد و انجام مرحله آنالیز، مؤلفه‌های اصلی ۴ عامل مشخص شد (جدول ۱). این عوامل و خرده‌مقیاسها عبارت‌اند از پرخاشگری فیزیکی ($\alpha=0.86$)، پرخاشگری کلامی ($\alpha=0.77$)، خشم ($\alpha=0.77$)، و خصومت ($\alpha=0.76$). همه مؤلفه‌های مقیاس (BPAS) بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (خیلی موافق، موافق، نه موافق و نه مخالف، مخالف، و خیلی مخالف) درجه‌بندی شدند.

روشهای آماری

داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. ابتدا به منظور تعیین پایایی درونی و اعتبار ساختار عاملی مقیاس پرخاشگری و هنجاریابی این مقیاس، از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA) استفاده شد. برای سنجش همبستگیهای درونی بین ابعاد راهبردهای مقابله و خودکارآمدی ادراک شده، از روش همبستگی چندمتغیره استفاده شد. از آزمون χ^2 برای مقایسه توزیع ورزشکاران و غیرورزشکاران از نظر ویژگیهای اجتماعی-جمعیت‌شناختی استفاده شد. آزمون t مستقل برای مقایسه تعیین تفاوت بین پاسخگویان از نظر پرخاشگری به کار رفت. از رگرسیون لجستیک چندگانه، برای تعیین سهم متغیرهای وارد شده در

جدول ۱. ابعاد مقیاس پرخاشگری همراه با مقدار واریانس تبیین شده و مقدار آلفای هر بعد

مقیاس	مؤلفه‌ها	تعداد موارد	میانگین	انحراف معیار (SD)	درصد واریانس تبیین شده	α
مقیاس پرخاشگری فیزیکی	پرخاشگری فیزیکی	۱۱	۲/۵۷	۰/۵۵۵	۴/۴۴۳	۰/۷۳
پرخاشگری باس و پری	پرخاشگری کلامی	۶	۲/۹۴	۰/۷۹۳	۱/۸۹	۰/۸۲
خشم	خشم	۸	۲/۸۷	۰/۷۱۲	۱/۶۰	۰/۷۶
خصومت (BPAS)	خصومت	۴	۲/۸۶	۰/۶۱۳	۱/۴۴	۰/۷۱

پرخاشگری فیزیکی با مؤلفه‌های زیر به ترتیب، همبستگی مثبت بالایی داشت: خشم ($p < 0,001$)؛ $r = 0,306$ ، پرخاشگری کلامی ($p < 0,001$)؛ $r = 0,306$ ، و خصومت ($p < 0,05$)؛ $r = 0,207$. از سوی دیگر، پرخاشگری کلامی، با مؤلفه خشم همبستگی مثبت بالا ($p < 0,001$)؛ $r = 0,403$ و با مؤلفه خصومت همبستگی نسبتاً خوبی داشت ($p < 0,05$)؛ $r = 0,182$. و بالاخره، مؤلفه خصومت با مؤلفه خشم همبستگی بالایی داشت ($p < 0,001$)؛ $r = 0,294$.

پاسخگویان غیرورزشکار اعلام کردند سابقه پرخاشگری در میان اعضای خانواده دارند، در حالی که نسبت پاسخگویان دارای سابقه پرخاشگری در مقایسه با آنهایی که سابقه پرخاشگری در خانواده نداشتند در گروه ورزشکاران تقریباً یکسان بود.

همبستگیهای چندمتغیره میان مؤلفه‌های پرخاشگری

نتایج جدول ۳، همبستگی مثبت نسبتاً بالای میان مؤلفه‌های پرخاشگری را نشان داد. مؤلفه

جدول ۲. ویژگیهای اجتماعی - جمعیت‌شناختی پاسخگویان همراه با رابطه آنها با مشارکت در ورزشهای رزمی

متغیر	غیرورزشکار		ورزشکار	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنسیت				
مرد	۳۷	۲۴	۳۱	۲۰,۱
زن	۴۲	۲۷,۳	۴۴	۲۸,۶
سن				
۱۷-۲۱ سال	۴۶	۲۹,۹	۳۸	۲۴,۷
۲۲-۲۶ سال	۱۸	۱۱,۷	۲۶	۱۶,۹
۲۷-۳۱ سال	۱۵	۹,۷	۱۱	۷,۱
وضعیت تأهل				
مجرد	۵۹	۳۸,۳	۶۰	۳۹,۰
متأهل	۲۰	۱۳,۰	۱۵	۹,۷
طبقه اجتماعی				
طبقه بالا	۱۱	۷,۱	۱۱	۷,۱
طبقه متوسط	۱۱	۷,۱	۱۵	۹,۷
طبقه پایین	۵۷	۳۷,۰	۴۹	۳۱,۸
سابقه پرخاشگری در خانواده				
دارد	۳۴	۲۲,۱	۳۶	۲۳,۴
ندارد	۴۵	۲۹,۲	۳۹	۲۵,۳

میانگین سن = ۲۱,۸ سال ($SD = ۴,۲۴$)

مقایسه ورزشکاران و غیرورزشکاران با توجه به پرخاشگری

با استفاده از آزمون t مستقل، دو گروه ورزشکاران رزمی و غیرورزشکاران مقایسه شدند (جدول ۴). نتایج، تفاوت معناداری را بین میانگین نمره دو گروه از نظر پرخاشگری به طور کلی ($p < 0.001$)؛ $t_{(152)} = 3.474$ نشان داد. مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی ($p < 0.05$)؛ $t_{(152)} = 2.552$ و خشم ($p < 0.01$)؛ $t_{(152)} = 2.879$ در دو گروه ورزشکاران و غیرورزشکاران تفاوت معناداری داشتند. هیچ‌گونه رابطه معناداری بین دو گروه از نظر مؤلفه‌های پرخاشگری کلامی و خصومت مشاهده نشد.

تحلیل چندگانه

به منظور پیش‌بینی متغیر مورد مطالعه مشارکت یا عدم مشارکت در ورزش، تحلیل رگرسیون لوجستیک در دو مرحله (متغیرهای کنترل و اجتماعی - جمعیت‌شناختی در مرحله اول، و مؤلفه‌های متغیر پیش‌بین پرخاشگری در مرحله دوم) انجام شد. نتایج (جدول ۵) نشان داد مجموع متغیرهای کنترل وارد شده در مرحله اول توانستند با مقدار $Nag.R^2 = 0.113$ ؛ $p < 0.05$ ؛ $\chi^2(6) = 13.64$ ۱۱.۳ درصد از واریانس متغیر ملاک (ورزشکار یا غیرورزشکار شدن) را تبیین کنند. از میان این متغیرها، تنها متغیر قومیت با مقدار ($p < 0.01$)؛ $B = -1.425$ توانست متغیر ملاک را پیش‌بینی کند.

جدول ۳. ماتریس همبستگی چندگانه میان مؤلفه‌های خودکارآمدی و راهبردهای مقابله

مؤلفه‌های پرخاشگری	۱	۲	۳	۴
پرخاشگری فیزیکی	۱.۰۰۰			
پرخاشگری کلامی	۰.۳۰۶***	۱.۰۰۰		
خشم	۰.۳۰۹***	۰.۴۰۳***	۱.۰۰۰	
خصومت	۰.۲۰۷***	۰.۱۸۲*	۰.۲۹۴***	۱.۰۰۰

p < 0.001 *** p < 0.05* p < 0.01**

جدول ۴. مقایسه ورزشکاران و غیرورزشکاران با توجه به پرخاشگری و مؤلفه‌های آن

متغیر	T ₍₁₅₂₎	ورزشکار (n=77)		غیرورزشکار (n=77)	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
پرخاشگری فیزیکی	۲.۵۵۲*	۲.۴۵	۰.۵۵۶	۲.۶۸	۰.۵۳۴
پرخاشگری کلامی	۱.۹۴۷	۲.۸۲	۰.۷۹۳	۳.۰۶	۰.۷۷۹
خشم	۲.۸۷۹**	۲.۷۱	۰.۷۲۶	۳.۰۳	۰.۶۶۴
خصومت	۱.۷۵۱	۲.۷۷	۰.۶۱۵	۲.۹۵	۰.۶۰۴
مجموع	۳.۴۷۴**	۲.۶۴	۰.۴۸۴	۲.۸۹	۰.۴۰۰

p < 0.001 *** p < 0.05* p < 0.01**

جدول ۵. مدل رگرسیون لجستیک برای پیش‌بینی مشارکت در ورزش

مدل دوم				مدل اول				متغیر
P	Wald	SE	B	P	Wald	SE	B	
								متغیرهای کنترل
۰٫۹۴۴	۰٫۰۰۵	۰٫۳۷۰	-۰٫۰۲۶	۰٫۴۸۸	۰٫۴۸۴	۰٫۳۴۳	-۰٫۲۳۸	جنسیت
۰٫۸۴۱	۰٫۰۴۰	۰٫۰۵۱	۰٫۰۱۰	۰٫۹۷۱	۰٫۰۰۱	۰٫۰۴۸	۰٫۰۰۲	سن
۰٫۳۹۵	۰٫۷۲۳	۰٫۵۰۷	۰٫۴۳۱	۰٫۵۸۱	۰٫۳۰۴	۰٫۴۸۴	۰٫۲۶۶	وضعیت تأهل
۰٫۰۶۷	۳٫۳۶۰	۰٫۵۳۴	-۰٫۹۷۸	۰٫۰۸۰	۳٫۰۶۸	۰٫۵۱۷	-۰٫۹۰۵	طبقه اجتماعی
۰٫۰۰۴**	۸٫۳۸۵	۰٫۵۳۱	-۱٫۵۳	۰٫۰۰۵*	۷٫۸۸	۰٫۵۰۸	-۱٫۴۲۵	قومیت
۰٫۳۶۹	۰٫۸۰۶	۰٫۳۶۰	-۰٫۳۲۳	۰٫۴۱۳	۰٫۶۷۰	۰٫۳۴۳	۰٫۲۸۲	سابقه پرخاشگری در خانواده
								پرخاشگری
۰٫۱۶۱	۱٫۹۶۱	۰٫۳۷۱	-۰٫۵۲۰					پرخاشگری فیزیکی
۰٫۹۱۳	۰٫۰۱۲	۰٫۲۵۸	-۰٫۰۲۸					پرخاشگری کلامی
۰٫۲۱۷	۱٫۵۲۶	۰٫۲۸۴	-۰٫۳۵۱					خشم
۰٫۲۱۱	۱٫۵۶۷	۰٫۳۲۱	-۰٫۴۰۱					خصوصیت
			۱۸۹٫۷۶				۱۹۹٫۷۴	-2 Log likelihood
			۰٫۱۹۰				۰٫۱۱۳	R ^۲ Nagelkerke
			۹٫۹۸; p < ۰٫۰۵*				۱۳٫۶۴; p < ۰٫۰۵*	χ ^۲
			۶۲٫۸				۶۳٫۰	Total predicted
			۱۵۴				۱۵۴	N

p < ۰٫۰۰۱ *** p < ۰٫۰۱ ** p < ۰٫۰۵*
a: df

نیز روند کاهشی داشته است. در کل، مدل رگرسیون لجستیک در مرحله اول و با متغیرهای کنترل توانسته است ۶۳٫۰ درصد، و در مرحله دوم و با اضافه شدن مؤلفه‌های سازه پرخاشگری به مدل ۶۲٫۸ درصد از آزمودنیها را به درستی طبقه‌بندی نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر، با هدف تعیین تفاوت و مقایسه بین ورزشکاران رزمی و غیرورزشکاران از نظر پرخاشگری انجام شد. یافته‌های این مطالعه، بین ورزشکاران رزمی و غیرورزشکاران از نظر میزان میانگین نمرات آنها بر روی مقیاس پرخاشگری

به بیان دیگر، این دو متغیر، بر احتمال اینکه افراد به ورزشهای رزمی گرایش بیاورند یا نه تأثیر نیرومندی داشتند. اما اثر متغیرهای جنسیت ($p > ۰٫۰۵$)، سن ($B = -۰٫۲۳۸$; $p > ۰٫۰۵$)، وضعیت تأهل ($B = ۰٫۲۶۶$; $p > ۰٫۰۵$)، طبقه اجتماعی ($B = -۰٫۹۰۵$; $p > ۰٫۰۵$) و سابقه پرخاشگری در خانواده ($B = -۰٫۲۸۲$; $p > ۰٫۰۵$) قابل چشم‌پوشی بود. در مرحله دوم و با ورود متغیر پیش‌بین اصلی، یعنی مؤلفه‌های پرخاشگری، این مؤلفه‌ها با مقدار ($R^2 = ۰٫۱۹۰$; Nag. $R^2 = ۰٫۱۹۰$; $p < ۰٫۰۵$)، $9,98 = \chi^2(4)$ تنها توانستند ۷٫۷ درصد از واریانس متغیر ملاک را بهبود بخشند. مقدار χ^2 در مرحله دوم

هیچ رابطه‌ای بین پرخاشگری و مشارکت در ورزش مشاهده نکردند.

مطالعه حاضر، همچنین تفاوت معنادار بین ورزشکاران و غیرورزشکاران را از نظر مؤلفه‌های پرخاشگری فیزیکی و خشم نشان داد. در حالی که انتظار می‌رفت ورزشکاران رزمی از سطوح بالاتری از پرخاشگری فیزیکی و خشم در مقایسه با غیرورزشکاران برخوردار باشند، نتایج نشان داد میانگین نمره غیرورزشکاران، چه در مؤلفه پرخاشگری فیزیکی (۲/۶۸ در مقابل ۲/۴۵) و چه در مؤلفه خشم (۳/۰۳ در مقابل ۲/۷۱) بالاتر از ورزشکاران بوده است. این نتیجه، یافته‌های مطالعه زیلمن و دیگران (۵۰) را که نشان داده بودند میزان خشم در ورزشهای تماسی (نظیر ورزشهای رزمی) بالاتر از غیرورزشکاران است، و نیز نتایج تحقیق یانگ و دیگران (۴۹) را که دریافته بودند نمرات پرخاشگری فیزیکی در ورزشکاران ورزشهای با تماس بالا در مقایسه با غیرورزشکاران بالاتر است تأیید نمی‌کند.

اگرچه این مطالعه صرفاً درباره یکی از ابعاد و مؤلفه‌های نیمرخ شخصیتی، یعنی پرخاشگری، انجام گرفت، یافته‌های آن نظر آن دسته از محققانی را که معتقد به یک نیمرخ شخصیتی برای ورزشکاران بودند تأیید نمی‌کند.

پژوهشگرانی همچون بات (۸)، کاکس (۱۱)، ساینر-فارد و دیگران (۳۷)، مارش و دیگران (۳۰)، مورگان و کاستیل (۳۲)، کاکس و یوو (۱۴)، و فیلهو و دیگران (۱۸) از وجود نیمرخ شخصیتی صحبت می‌کردند که ورزشکاران را از غیرورزشکاران متمایز می‌ساخت. یکی از مؤلفه‌های نیمرخ شخصیتی مورد بحث آنها پرخاشگری بود. در حالی که مطالعه حاضر در ارتباط با این مؤلفه نشان داد

تفاوت بسیار معناداری را نشان داد. برخلاف انتظار و فرض اساسی این مطالعه، که بر مبنای آن، ورزشکاران، بویژه ورزشکاران رزمی در مقایسه با غیرورزشکاران پرخاشگرتر بودند، نتایج نشان داد در کل، افراد غیرورزشکار در مقایسه با ورزشکاران رزمی بر روی مقیاس پرخاشگری میانگین نمره بالاتری (۲/۶۴) برای ورزشکاران، در مقابل ۲/۸۹ برای غیرورزشکاران) کسب نمودند.

این نتیجه، یافته‌های کاندلر و دیگران (۱۰)، فرینتر و رایبسون (۲۱)، فلتچر و داوول (۱۹)، والیان و دیگران (۴۲)، کلینی (۹)، وینبرگ و گولد (۴۶)، هراندز-آردیتا و دیگران (۲۳)، یانگ (۴۹)، فیلهو و دیگران (۱۸) را نقض می‌کند. این محققان در مطالعات خود، سطوح بالاتر پرخاشگری را در میان ورزشکاران نشان داده بودند. آنها استدلال کرده بودند که ورزشکاران در مقایسه با غیرورزشکاران، از مؤلفه‌های پرخاشگری و پرخاشگری به‌طور کلی نمرات بالاتری کسب کرده بودند.

نتایج این مطالعه، همچنین یافته‌های فولر (۲۲) را تأیید نمی‌کند. وی نشان داده بود ورزشکاران رزمی در مقایسه با غیرورزشکاران از سطوح پرخاشگری بالاتری برخوردارند.

از سوی دیگر، این نتیجه با یافته‌های محققانی نظیر ژابو و پارکین (۴۱) هماهنگ است. آنها نیز در مطالعه خود، سطح پایین‌تر پرخاشگری را در میان ورزشکاران رزمی در مقایسه با غیرورزشکاران نشان داده بودند.

افزون بر این، نتایج مطالعه حاضر با یافته‌های محققانی نظیر مورگان و کاستیل (۳۲)، بک‌ماند و دیگران (۳) و دوبوس و بیٹی (۱۵) که معتقد به فقدان رابطه بین پرخاشگری و مشارکت در ورزش بودند هماهنگ است. این محققان نیز در مطالعات خود،

عوامل فرهنگی است (۳۸). نتایج ما، حساسیت و تأثیر عامل فرهنگ را در ورزش و فعالیتهای فیزیکی نشان داده است. ورزشکاران به این دلیل در فعالیتهای ورزشی مشارکت نمی کنند که پرخاشگرتر از دیگران باشند بلکه به احتمال زیاد، در فرهنگ ایرانی مشارکت در ورزش دلالتهای اخلاقی و انسانی دارد و در جهت رشد و تعالی افراد چه به لحاظ روانی و چه جسمانی به کار گرفته می شود.

اگر باندورا (۴) استدلال می کند فرهنگ یک جامعه می تواند ضمن ارزشمند ساختن رفتارهای پرخاشگرایانه و عرضه مدل‌های موفق و نیز اطمینان بخشی از اینکه کنشهای پرخاشگرایانه نتایج پاداش دهنده به همراه دارند موجب ازدیاد افراد پرخاشگر در جامعه شود، عکس آن هم می تواند مصداق داشته باشد؛ یعنی فرهنگ جامعه با تقویت رفتارهای غیر پرخاشگرایانه، می تواند سطوح پرخاشگری و تعداد افراد پرخاشگر را به حداقل برساند.

پرخاشگری نمی تواند از ویژگیهای شخصیتی ورزشکاران باشد.

نتایج این مطالعه، با یافته‌های ویلی (۴۳)، وان (۴۴)، موریس (۳۳)، وینبرگ و گولد (۴۶) و اوویل و همکاران (۲) همخوانی دارد. این محققان وجود ویژگیها و نیمرخ شخصیتی را که ورزشکاران را از غیرورزشکاران متمایز سازد انکار کرده بودند.

یکی از یافته‌های بویژه جالب مطالعه حاضر، وجود الگوی رفتاری متفاوت ورزشکاران در جامعه ما در مقایسه با ورزشکاران سایر جوامع است. به نظر می رسد در جامعه ما، ورزش، برخلاف ادعای نظریه پالایش هیجانی^۱ (۶،۱۳)، به مثابه ابزار و شیوه قابل قبول برای تخلیه انرژی و کاهش پرخاشگری در زندگی روزمره افراد به کار نرود. افراد در هر جامعه، الگوهای رفتاری خاصی در ورزش و فعالیتهای فیزیکی دارند. فعالیت فیزیکی در قالب ورزش تابع فرهنگ است. همانگونه که بیانیه سویل درباره خشونت^۲ اعلام می دارد، پرخاشگری به صورت ژنتیکی برنامه ریزی نشده است بلکه تا حد زیادی تابع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Catharsis theory
2. Seville Statement of Violence

منابع

1. Auweele, Y.V.; B. Cuyper, V. Mele, & R. Rzewnicki (1993). Elite performance and personality: from description and prediction to diagnosis and intervention. In: Singer RN, Nurphey M, Tennant LK, editors. Handbook of research in sport psychology, pp.257-289. New York: Macmillan.
2. Auweele, Y.V.; K. Nys, R. Rzewnicki, & V. Mele (2001). Personality and athlete. In: Singer, R., Haussenblas, H.A., Janelle, C.M. (Eds.). Handbook of sport psychology. New York: John Wiley & Sons.
3. Backmand, H.; J. Kaprio, U. Kujala, & S. Sarna, S. (2001). "Personality and mood of former elite athletes – A descriptive study". International Journal of Sports Medicine, 1(22):215-21.
4. Bandura, A. (1973). Aggression: A social learning analysis. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
5. Baron, R.A., & D.R. Richardson (1994). Human aggression (2nd ed.). New York: Plenum Press.
6. Bushman, B. J.; R.F. Baumeister, & A.D. Stack (1999). "Catharsis, aggression, and persuasive influence: Self-fulfilling or self-defeating prophecies?" Journal of Personality and Social Psychology, 76, 367-376.
7. Buss, A.H., & M. Perry (1992). "The aggression questionnaire". Journal of Personality & Social Psychology, 63: 452-459.
8. Butt, D.S. (1987). "Personality of the athlete". In: Butt, D.S.(Eds.). The psychology of sport. New York: VNR.
9. Cellini, H. R. (1983). "Cognitive and personality trait differences of youthful offenders by property, violent impulsive, and violent premeditated offense groupings". (Doctoral dissertation, Southern Illinois University at Carbondale, 1982). Dissertation Abstracts International, 43: 22-80.
10. Chandler, S.B.; J.J. Dewayne, & P.S. Carroll (1999). "Abusive behaviors of college athletes". College Student Journal, 33(4).
11. Cox, R.C. (1998). Sport psychology: Concept and applications. Boston, MA: WCB McGraw Hill.
12. Cox, R.H. (1994). Sport psychology: concepts and applications. 2nd ed. Dubuque: Brown & Benchmark.
13. Cox, R. H. (2002). Sport psychology: Concepts and application (5th ed.). Boston: WCB/McGraw-Hill.
14. Cox, R.H., & H.S. Yoo (1995). "Playing position and psychological skill in American football". Journal of Sport Behavior, 18: 183-194.
15. Dobosz, R., & L. Beaty (1999). "The relationship between athletic participation and highschool student's leadership ability". Journal of Adolescence, 34:215-20.
16. Duncan, O.D.; A.J. Reiss, P.K. Hott, & C.C. Notth, C.C. (1961). Occupation & social status. Glencoe,IL: Free Press.
17. Duthie, R.B.; L. Hope, & D.G. Barker (1978). "Selected personality traits of martial artists as measured by the adjective checklist". Perceptual and Motor Skills, 47, 71-76.
18. Filho, M.G.B.; L.C.S. Riberio & F.G. Garcia (2005). "Comparison of personality characteristics between high-level Brazilian athletes and non-athletes". Revista Brasileira de Medicina do Esporte (English version), 11(2): 114-118.
19. Fletcher, R., & L. Dowell (1971). "Selected personality of high-school athletes and non-athletes". Journal of Psychology, 77:39-41.
20. Frederick, C.M. (2000). "Competitiveness: relations with GPA, locus of control, sex and athletic status". Journal of Perceptual and Motor Skills, 90:413-14.
21. Frinter, M.P., & L. Rubinson (1993). "Acquaintance rape: the influence of alcohol, fraternity membership, and sports team membership". Journal of Sex Education and Therapy, 19:272-84.
22. Fuller, J.R. (1988). "Martial arts and psychological health". British Journal of Medical Psychology, 61(4): 317-328.
23. Hernández-Ardieta, I.P.; J.C. Lopez, M. Dolores, E.J.G. Ruiz (2002). Personalidad, diferencias individuales y ejecución deportiva. In: Zafra A, Ruiz HJ, Garcia GN, coordinadores. Manual de psicología del deporte. Murcia: DM.
24. Hollingshead, A.B. (1971). "Commentary on the indiscriminate state of social class measurement". Journal of Social Forces. 49: 563-67.
25. Kroll, W. & B.R. Carlson (1967). "Discriminant function and hierarchical grouping analysis of karate

- participants' personality profiles". *Research Quarterly for Exercise and Sport*, 38, 405-411.
26. Kroll, W. & W. Crenshaw (1970) "Multivariate personality profile analysis of four athletic groups". In: *Contemporary psychology of sport: Proceedings of the second International Congress of Sport Psychology*. Ed: Kenyon, G. Chicago, IL: Chicago Athletic Institute. 97-106.
 27. Layton, C. (2000). "Scores on trait and state anxiety of female karateka before the commencement of shotokan karate training". *Perceptual and Motor Skills*, 91, 1020.
 28. Lemieux, P.; S.J. McKelvie, D. Stout (2004). "Self-reported Hostile Aggression in Contact Athletes, No Contact Athletes and Non-athletes". *The Online Journal of Sport Psychology*.
 29. Madden, M.E. (1990) "Attributions of control and vulnerability at the beginning and end of a karate course". *Perceptual and Motor Skills*, 70, 787-794.
 30. Maresh, C.M.; B.G. Sheckley, G.J. Allen, D.N. Camaione, & S.T. Sinatra (1991). "Middle age male distances runners: physiological and psychological profiles". *Journal of Sports Medicine and Physical Fitness*, 31:461-9.
 31. Maxwell, J.P. (2004). "Anger rumination: An antecedent of athlete aggression?" *Psychology of Sport & Exercise*, 5: 279-289.
 32. Morgan, W.P., & D.L. Costill (1996). "Selected psychological characteristics and health behaviors of aging marathon runners: longitudinal study". *International Journal of Sports Medicine*, 17: 305-12.
 33. Morris, T. (2000). "Psychological characteristics and talent identification in soccer". *Journal of Sports Sciences*, 18:715-26.
 34. Nam, B.C., & M.G Powers (1983). *The socioeconomic approach to status measurement*. Houston: Cap & Gown.
 35. O'Sullivan, D.M.; M. Zuckerman, M. Kraft (1998). "Personality characteristics of male and female participants in team sports". *Journal of Personality & Individual Differences*, 25: 119-128.
 36. Richman, C.L. & H. Rehberg (1986). "The development of self-esteem through the martial arts". *International Journal of Sport Psychology*, 17, 234-239.
 37. Saint-Phard, D.; B. Van Dorsten, R.G. Marx, & K.A. York (1999). "Self-perception in elite collegiate female gymnastics, cross-country runners and track-and-field athletes". *Journal of Mayo Clinic Proceedings*, 74:770-74.
 38. Seville Statement on Violence (1986). http://www.unesco.org/human_rights/hrfv.htm
 39. Stephens, D.E. (2001). "Predictors of aggressive tendencies in girls' basketball: an examination of beginning and advanced participants in a summer skills camp". *Research Quarterly for Exercise & Sport*, 72:257-66.
 40. Stoner, S., & M.A. Bandy (1977). "Personality traits of females who participate in intercollegiate competition and nonparticipants". *Journal of Perceptual and Motor Skills*, 45:332-4.
 41. Szabo, A., & A.M. Parkin (2001). "The psychological impact of training deprivation in martial artists". *Psychology of Sport & Exercise*, 2(3): 187-199.
 42. Valliant, P.M.; F.A. Bennie, & J.J. Valiant (1981). "Do marathoners differ from joggers in personality profile: a sport psychology approach". *Journal of Sports Medicine and Physical Fitness*, 21:62-7.
 43. Vealey, R.S. (1992). "Personality and sport: A comprehensive view". In T. S. Horn, (Ed.), *Advances in sport psychology*, pp. 25-60. Champaign, IL: Human Kinetics Publishers.
 44. Wann, D.L. (1997). *Sport psychology*. Upper Saddle River, New Jersey: Prentice Hall.
 45. Warner, W.L.; M. Meeker & K. Eells (1949). *Social class in American*, Chicago, Social Research Association.
 46. Weinberg, R.S., & D. Gould (1995). *Foundations of sport and exercise psychology*. 1st ed. Champaign: Human Kinetics, 1995.
 47. Williams, A.M. and D. Elliott (1999). "Anxiety, expertise, and visual search strategy in karate". *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 21, 362-375.
 48. Yeung, R.R., & D.R. Hemsley (1996). "Effects of personality and acute exercise on mood states". *Journal of Personality & Individual Differences*, 20:545-50.
 49. Young, T.J. (1990). "Sensation seeking and self reported criminality among student-athletes". *Perceptual and Motor Skills*, 70, 959-962.
 50. Zillmann, D.; R.C. Johnson, & K.D. Day (1974). "Provoked and unprovoked aggressiveness in athletes". *Journal of Research in Personality*, 8, 139-152.